

درآمدی ارزشمند بر اطلاع‌شناسی

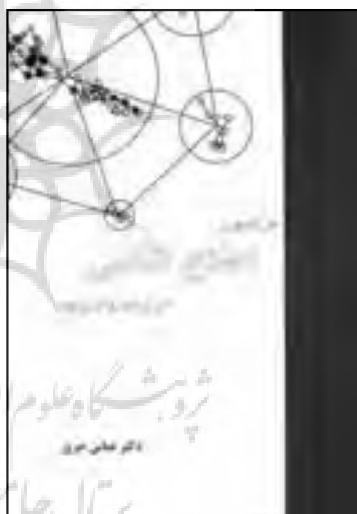
نقد کتاب «درآمدی بر اطلاع‌شناسی»

• دکتر مرتضی کویبی^۱

دانشیار گروه کتابداری و رئیس دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران

آن پرداخته نشده بود. در «هدف مجله» نخستین شماره اطلاع‌شناسی، هدف اصلی این مجله اینگونه بیان شده است: «هدف اصلی این مجله فراهم‌آوردن شرایط تبادل اندیشه در زمینه زیرساخت‌های مرتبط با فعالیت‌های اطلاعاتی با توجه به جنبه‌های مفهومی، ابزاری، و کارکردی است. برای تحقق این هدف، اطلاع‌شناسی به‌مثابه شناخت ماهیت اطلاعات، قابلیت‌های اطلاعاتی، اکوسیستم‌های اطلاعاتی، ابزارها و فنون انتقال اطلاعات؛ و نیز سیاست‌ها، راهبردها؛ و روش‌های ناظر بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی در معنایی گسترده در نظر گرفته شده است». (اطلاع‌شناسی، ۱۳۸۲، هدف مجله). در همان‌جا، استادان، دانشجویان، کتابداران و اطلاع‌رسانان، و سایر صاحبان حرفه‌های مرتبط با مقوله‌های پیش‌گفته و دیگر علاقه‌مندان، مخاطبان بالقوه این مجله تلقی شده‌اند.

عباس حری، اگر نام‌آشناترین استاد کتابداری ایران نباشد، بی‌گمان در زمره نام‌آشناترین‌هاست. او با انتشار مقالات و کتاب‌های متعدّد در زمینه کتابداری، سال‌ها تدریس دروس کتابداری در مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاهی، راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌های مختلف به‌جایی رسیده است که نام او را می‌توان «پر استنادترین نام» در کتابداری ایران به‌شمار آورد. اما شاید یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های حری، ارائه مفاهیم نو در حرفه است. او بارها نشان داده که به مفاهیم نظری رشته کتابداری به‌خوبی آشناست و بر مفاهیم نو نیز تسلط دارد. مفهوم «اطلاع‌شناسی» یکی از این مفاهیم نوست که می‌توان ادعا کرد نخستین بار، حداقل به‌صورت جدی، از سوی وی مطرح شده است. حری با انتشار مجله



■ حری، عباس. درآمدی بر اطلاع‌شناسی: کارکردها و کاربردها. تهران: دما؛ کتابدار، ۱۳۸۷، ۲۰۲ ص، شابک: ۶-۸۰-۷۱۴۳-۹۶۴-۹۷۸

بررسی محتوایی کتاب

«اطلاع‌شناسی» از جمله مفاهیمی است که می‌توان ادعا کرد که به‌طور رسمی با انتشار نشریه اطلاع‌شناسی در کتابداری ایران مطرح شد. این مفهوم در پاییز سال ۱۳۸۲ با انتشار نخستین شماره نشریه اطلاع‌شناسی با مدیریت مسئول دکتر عباس حری به‌طور جدی در برابر دیدگان کتابداران ایرانی گذاشته شد و به‌نظر می‌رسید که مفاهیمی را مطرح خواهد کرد که تا آن زمان در کتابداری ایران به

کتاب از نظر موضوعی در نوع خود، نخستین است و این نکته، بار مسئولیت سنگینی را بر دوش آن می‌گذارد

کاربردها» را در عنوان کتاب جای داد. در سطور بعدی به مسئولیت سنگینی که این کتاب بر عهده دارد، بیشتر پرداخته خواهد شد.

کتاب دارای ۹ فصل است که به ترتیب «مقدمه»، «تبیین مفهوم اطلاعات»، «نظریه کوانتومی اطلاعات»، «اختلاف پتانسیل اطلاعاتی»، «اکولوژی اطلاعات»، «اکولوژی اطلاعات و نظام اجتماعی»، «پیوند اطلاعات بالقوه و بالفعل»، «روش تحلیل اطلاع‌شناختی»، و «سخن آخر» است. البته معلوم نیست چرا «نمایه»، در «مندرجات»، فصل دهم در نظر گرفته شده است! فصل‌های کتاب، که در واقع همان مقاله‌های منتشر شده نویسنده در مجله اطلاع‌شناسی است، به ترتیب انتشار در مجله آمده‌اند. اما از آنجاکه نویسنده بر این باور است که مقاله‌های منتشر شده در مجله بر مبنای چارچوبی پیش‌بینی شده منتشر شده‌اند، نظم ارائه مطالب کتاب نیز همان ترتیب انتشار مقالات، برگزیده شده است. این نظم، منطقی به نظر می‌رسد. منطقی مربوط به ترتیب ارائه مطالب در فصل نهم به‌طور روشن‌تری بیان شده است. پس از تبیین مفهوم اطلاعات در فصل دوم، در فصل سوم، نظریه‌های متفاوت مربوط به اطلاعات، از نظریه ریاضی اطلاعات آغاز می‌شود، با نظریه سایبرنتیکی اطلاعات ادامه می‌یابد، و با نظریه معناشناختی اطلاعات گسترش بیشتری می‌یابد. فصل سوم به نظریه کوانتومی اطلاعات اختصاص یافته است. یکی از اشکالاتی که در این فصل دیده می‌شود، این است که در این فصل، چند بار به «نظریه کلاسیک» اطلاعات اشاره و این نظریه با نظریه کوانتومی اطلاعات مقایسه شده، اما مشخص نشده که نظریه کلاسیک اطلاعات کدامیک از سه نظریه پیش‌گفته است. تنها در صفحه ۷۱ است که نظریه ریاضی در کمانک، نظریه کلاسیک توضیح داده شده است. این توضیح بهتر بود که در آغاز مقایسه بیان می‌شد. فصل‌های بعدی نیز از نظم کمابیش منطقی پیروی می‌کنند. فقط ارتباط میان فصل هفتم، «پیوند اطلاعات بالقوه و بالفعل: زنجیره دوری ربط در فرآیند انتقال اطلاعات» با فصل‌های پیشین مبهم است. شاید اگر این فصل با فصل هشتم جابه‌جا می‌شد، نظم فصل‌های کتاب منطقی‌تر به نظر می‌رسید. جمع‌بندی مناسبی نیز در فصل نهم، «سخن آخر»، آمده است. یکی از نکات قابل تعمق در کتاب، استفاده از عبارت

اطلاع‌شناسی که تاکنون ۱۸ شماره از آن منتشر شده است، مفهوم «اطلاع‌شناسی» را با جدیت مورد بررسی قرار داد.

اگرچه هدف کتاب درآمدی بر اطلاع‌شناسی: کارکردها و کاربردها (حری، ۱۳۸۷) نه در پیشگفتار و نه در مقدمه با صراحت بیان نشده است، اما از آنجاکه کتاب، در واقع و بنا به نوشته نویسنده کتاب در پیشگفتار، گردآورده‌ای از مقالاتی است که قبلاً در مجله اطلاع‌شناسی منتشر شده، می‌توان باور کرد که کتاب از چارچوب نسبتاً مشخصی که در بالا به آن اشاره شد، فراتر نرفته، و هدف کتاب، در واقع همانی است که در «هدف مجله» در مجله اطلاع‌شناسی بیان شده است. این هدف بهتر بود که با صراحت بیشتری در جای مناسبی از کتاب بیان می‌شد.

کتاب محورهای مورد بحث را جز در «مندرجات» به صراحت بیان نکرده است. صریح‌تر از «مندرجات»، در این مورد، فصل نهم، «سخن آخر»، است که در آن، محورهای بحث با ترتیب و تفصیل بیشتری بیان شده است. این محورها بهتر بود که در آغاز کتاب مطرح می‌شد.

اگرچه جامعه مخاطبان کتاب نیز مشخص نشده است، می‌توان حدس زد که مخاطبان، همانانی هستند که در «هدف مجله» اطلاع‌شناسی مشخص شده‌اند.

کتاب از نظر موضوعی در نوع خود، نخستین است و این نکته، بار مسئولیت سنگینی را بر دوش آن می‌گذارد. مفاهیم مطرح در کتاب، دارای تازگی نظری خاصی‌اند و به‌رغم ادعای عنوان کتاب، در آنها نه تنها به «کاربردها» بلکه به «کارکردها» نیز چندان پرداخته نشده است. البته در اینجا می‌توان استدلال کرد که مفاهیم مطرح در کتاب، ماهیتاً نظری هستند و چگونگی کاربردی و کارکردی ساختن آنها مقولاتی است که در آینده باید از سوی نویسنده کتاب و دیگران بررسی شود و اشاره نویسنده کتاب در مقدمه، به کتاب در حال تدوین که نگاه متفاوتی به اطلاعات خواهد داشت، شاید در پاسخ به همین نیاز باشد. اما در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا به‌رغم بار نظری بالای کتاب، آیا می‌توان ادعا کرد که در آن، به کارکردها و کاربردها، حداقل به‌گونه‌ای پرداخته شده است که بتوان «کارکردها و

ارتباط میان فصل هفتم،
«پیوند اطلاعات بالقوه و
بالفعل: زنجیره دوری ربط
در فرآیند انتقال اطلاعات»
با فصل‌های پیشین مبهم
است

یکی از مزایای کتاب، استفاده از معادل‌ها، یا به نظر نویسندگان، برابرنهاده‌های مناسبی است که برای اصطلاحات انگلیسی در نظر گرفته شده است افزودن نمونه‌های عینی و بیشتر برای روشن تر ساختن مطالب کتاب نیاز آشنکاری برای این کتاب است

کتاب
اطلاعات ارتباطات دانش‌شانی

انگلیسی "science Information" با دو معادل متفاوت در کتاب است. این عبارت در صفحه ۱ در پانویس، معادل «علم اطلاعات» آمده است. در فصل دوم از جمله صفحه ۳۱ به بعد، از «علم اطلاعات» سخن رفته، در حالی که پانویس برای آن داده نشده است. معلوم نیست ارتباط میان این دو علم، اگر بتوان اولی را اصولاً علم به‌شمار آورد، چیست.

یکی از مزایای کتاب، استفاده از معادل‌ها، یا به نظر نویسندگان، برابرنهاده‌های مناسبی است که برای اصطلاحات انگلیسی در نظر گرفته شده است، اگرچه ناهمانگی‌هایی نیز در این باره دیده می‌شود. نمونه این ناهمانگی‌ها، معادل‌های "Ecoinformsystem" در صفحه ۶ است که در سطر ۲، «اکوسیستم اطلاعاتی» و در سطر ۱۴، «اکوسیستم اطلاع‌شناختی» انتخاب شده است. در صفحه ۱۴۸ نیز برای عبارت انگلیسی "situation Problematic" از معادل «موقعیت مسئله» استفاده شده است که به نظر درست نمی‌آید. شاید معادل «موقعیت مسأله‌ساز» معادل بهتری باشد. استفاده از معادل‌های ارزشمند و عمیق، نگارنده این سطور را وامی‌دارد تا پیشنهاد کند که واژه‌نامه‌ای در پایان ویراست بعدی کتاب افزوده شود. این واژه‌نامه بر ارزش ویراست بعدی و کارایی آثار بعدی خواهد افزود.

آنچه به‌طور کلی درباره کتاب می‌توان گفت این است که کتاب ارزش بسیار بالایی دارد و می‌تواند نقطه عطف یا فصل الخطاب تلقی شود. کتاب می‌تواند مسیر پژوهش‌ها و نوشته‌های کتابداری را در کشور به‌گونه‌ای محسوس، دگرگون سازد و این دگرگونی، بی‌گمان مثبت است. ارزش بالای کتاب، همان‌طور که در بالا نیز اشاره شد مسئولیت سنگینی را بر دوش نویسندگان و مخاطبان کتاب می‌گذارد. مطالب این کتاب، اگرچه مفاهیم جدیدی را به‌شکلی کلی مطرح می‌کنند، در سطحی عام مطرح شده‌اند و بی‌گمان به گسترش بسیار بیشتری از این نیاز دارند. افزودن نمونه‌های عینی و بیشتر برای روشن تر ساختن مطالب کتاب نیاز آشنکاری برای این کتاب است. وجود این نیاز، به‌رغم زبان ساده، هنرمندانه، و روان کتاب نیز احساس می‌شود.

بررسی ساختاری کتاب

کتاب در کل ظاهر نسبتاً قابل قبولی دارد. اشتباهات چاپی اندکی در آن به‌چشم می‌خورد و به‌ویژه خواندن آن بسیار آسان و روان است. اما در فهرست منابع، به‌ویژه در فهرست منابع انگلیسی آن اشتباهاتی دیده می‌شود که اگرچه از ارزش

کتاب چندان نمی‌کاهد، ذکر آنها حداقل به این امید که در ویراست بعدی کتاب، مورد استفاده قرار گیرد، شاید مفید باشد. اشکالات ساختاری اندکی به‌شرح زیر در کتاب دیده می‌شود.

- کتاب دارای فهرست‌نویسی پیش از انتشار نیست.
- فاصله‌های پیش و پس از نشانه‌ها در متون و فهرست منابع در مواردی رعایت نشده است. این نکته در فهرست منابع انگلیسی آشکارتر است.

- در مواردی ناهنجاری‌هایی در متن چاپی دیده می‌شود. واژه «فرایندهای» در سطرهای ۱۰ و ۱۱، به‌گونه‌ای قسمت شده که «های» در آغاز سطر ۱۱ قرار گرفته است. این امر از این نظر که از خط تیره‌ای برای اتصال این دو قسمت استفاده نشده است، درست نیست. نظیر همین نکته در سطر ۷ صفحه ۵ مقدمه نیز دیده می‌شود که در آن، «می» «می‌شود» به‌تنهایی در انتهای سطر آمده است.

- در مآخذ انگلیسی اشتباهاتی دیده می‌شود. تنها برای یک نمونه، در اینجا به آخرین شناسه انگلیسی مآخذ فصل یک مقدمه اشاره می‌شود:

Mokiy, V.S. Zhamborova, A.O.; and Shegay, O.E. (2000) "Theory of Inoformology". [On-line]. Available: <http://www.ining.org/book-e.html>.

شکل درست این شناسه به شرح زیر است:

Mokiy, V.S.; Zhamborova, A.O.; and Shegay, O.E. (2000) "Theory of Inoformology". [On-line]. Available: <http://www.ining.org/book-e.html>.

و این یکی از اشتباهات کوچک در این زمینه است. در یک بررسی مقدماتی از مآخذ کتاب، جز مورد بالا، حداقل ۱۱ مورد اشتباه دیگر دیده شد که در اینجا مجال ذکر آنها نیست. این موارد شامل یک مورد شناسه‌آرایی نادرست، جالفتادن واژه «Journal» در یک شناسه، نداشتن شماره صفحات در برخی از شناسه‌ها، و نداشتن جای نشر در یک مورد می‌شود. مآخذ انگلیسی در ویراست بعدی کتاب باید مورد بازنگری قرار گیرد.

- در مواردی در حالی که به نویسندگان استناد درون‌متنی شده، شناسه‌ای در مآخذ ذکر نشده است. یکی از این موارد، لیندسمیت و اشتراوس در صفحه ۳۵ است که نه پانویس دارد، نه شناسه‌ای در مآخذ. از این موارد باز هم دیده می‌شود.

- روش دادن پانویس‌ها مشخص نیست. در مواردی برای برخی از نام‌ها پانویس داده نشده است. برای مثال «گاردنر» (ص ۱۷)، «هارتلی» (ص ۱۸)، و «هیلل و کارنپ»

کتاب می تواند مسیر پژوهش‌ها و نوشته‌های کتابداری را در کشور به گونه‌ای محسوس، دگرگون سازد و این دگرگونی، بی‌گمان مثبت است



۷
۸
۳
۱

اول ص ۲۰۱)

۱۰. اصولاً نظم زیرمجموعه‌ها در نمایه مشخص نیست و نمایه نیز از جمله بخش‌هایی از کتاب است که در ویراست بعدی باید مورد بازنگری قرار گیرد.

۱۱. برخی از اصلاحات باید در متن صورت گیرد، برای در فرمول $R\Sigma+S+$ ، بهتر است صفر واضح‌تر نوشته شود، یا در شکل ۴ صفحه ۱۰۱، تصویر «اکوتون» مشخص نیست. احتمالاً فضای مشترک میان دو دایره «اکوتون» است که باید مشخص شود. همچنین در سطر هشتم صفحه ۱۸۰ فرمول باید درست نوشته شود. این فرمول جابه‌جا شده است.

۱۲. در فصل ۵ از دو اصطلاح «اکولوژی اطلاعات» و «اکولوژی اطلاعاتی» استفاده شده است. بهتر است یکی به جای هر دیگری استفاده شود.

۱۳. تعریف «دانش اکولوژی» (س ۱۹-۱۷، ص ۱۲۶) ظاهراً از نظر دستوری اشکال دارد و این تنها یکی از دو مورد اشکال نگارشی کتاب است. اشکال دوم، در دو سطر اول صفحه ۱۴۹ دیده می‌شود. در ضمن، در سطر دوم صفحه ۱۵۲، واژه «کار» باید در پرانتز باشد، نه «».

۱۴. در حالی که عنوان فصل ششم، «اکولوژی اطلاعات و نظام اجتماعی» است، عنوان مکرر این فصل، «اکولوژی اطلاعات و نظام اطلاعاتی» است.

کتاب درآمدی بر اطلاع‌شناسی: کارکردها و کاربردها کتابی است بسیار ارزشمند که نویسنده این سطور خواندن آن را به همه کتابداران، دانشجویان و استادان فن سفارش می‌کند. آنچه باز هم ذکر آن در اینجا ضروری است، اینکه کتاب، همان‌گونه که نویسنده فروتنانه در عنوان آن آورده است بیشتر «درآمدی» بر اطلاع‌شناسی است. کتاب، نیاز به گسترشی بسیار بیشتر از متن حاضر دارد و در این راه، حزی بی‌گمان، اصلح از دیگران است.

پی‌نوشت‌ها:

1. kokabi80@yahoo.com.

مآخذ:

۱. «هدف مجله» (۱۳۸۲). اطلاع‌شناسی، س ۱، ش ۱ (پاییز ۱۳۸۲).
۲. حری، عباس (۱۳۸۷). درآمدی بر اطلاع‌شناسی: کارکردها و کاربردها، تهران: دما؛ کتابدار

(ص ۲۶) پانویس ندارند. در مواردی پانویس‌ها تکراری است. در حالی که با شماره‌گذاری پی‌درپی جدول‌ها تلاش شده است تا کتاب‌بودن متن نشان داده شود. برای نمونه، پانویس مربوط به «ریچی» (ص ۱۸) تکراری است. یا پانویس مربوط به "Day O & Nardi" که باید "Day'O & Nardi" باشد و در صفحات پیش از صفحه ۱۲۷ آمده، باز هم به اشتباه در همین صفحه آمده است. پانویس «ضریب تأثیر» که در صفحه ۸۱ آمده، در صفحه ۱۱۴ نیز تکرار شده است. اگر متن کتاب قرار است مجموعه مقالات در نظر گرفته نشود، بهتر است هر پانویس نیز فقط یک بار داده شود.

۷. در مواردی به یک نام نه پانویس داده شده، نه شناسه‌ای به آن در مآخذ. «شودریک» (ص ۲۴) یکی از این نمونه‌هاست.

۸. اشکالات تایپی اندکی در متن دیده می‌شود و متن را از این نظر، می‌توان متنی صحیح به‌شمار آورد. این اشتباهات تایپی که ذکر آنها در اینجا به امید اصلاح آنها در ویراست بعدی کتاب است، عبارتند از:

- پانویس "Uncertainly" (ص ۱۹) که باید Uncertainty باشد؛
- واژه «تناسب» (س آخر ص ۳۳)؛
- واژه «انتقام» (س ۳، ص ۳۶)؛
- واژه «بنیادین» (س ۴، ص ۵۱)؛
- پانویس "Retationship" (ص ۶۴) که باید Relationship باشد؛
- واژه «می‌هد» (س ۱۶، ص ۱۲۹)؛
- واژه «استفاده‌کننده» (س ۶، ص ۱۳۱) که باید «استفاده‌کننده» باشد؛
- واژه «کابرد» (س ۷، ص ۱۳۳)؛
- واژه «ربطه» (س ۱۶، ص ۱۵۴)؛
- واژه «دارک» (س ۶، ص ۱۵۹)؛

- واژه «بهم» (س ۷ ستون دوم، ص ۱۹۸) که باید «به» باشد؛

- واژه «پناسیل» (س ۲۱ ستون دوم، ص ۱۹۸)؛

- واژه «دواری» (س ۲۰ ستون دوم، ص ۱۹۹) که باید «داوری» باشد.

۹. اشتباهاتی در نمایه دیده می‌شود که مربوط به تورفتگی مفاهیم مرتبط با مفهوم اصلی است. برخی از شناسه‌های نمایه باید سر سطر بیاید، مانند مفاهیم «مقدار اطلاعات» و «موضوع علم اطلاع‌رسانی» (س ۳ و ۴ ستون